

WWW.MEDIALIB.IR

کتابخانه رسانه ایرانیان



بسم الله الرحمن الرحيم

جزء بیست و سوم

وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر
این نبود؛

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾

(بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند!

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾

افسوس براین بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را
استهزا می کردند!

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ
إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به
سوی ایشان باز نمی گردند (و زنده نمی شوند)!

وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾

و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می شوند!

وَاٰیَةُ لَهُمُ الْاَرْضُ الْمَيِّتَةُ اَحْيَيْنَاهَا وَاَخْرَجْنَا مِنْهَا
حَبًّا فَمِنْهُ يَاْكُلُوْنَ ﴿۳۳﴾

زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه‌های (غذایی) از آن
خارج ساختیم که از آن می‌خورند؛

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا
مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن جاری
ساختیم،

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا
يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن
نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی آورند؟!

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ
وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از
خودشان، و از آنچه نمی‌دانند!

وَأَيُّ لَهِمُ اللَّيْلِ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾

شب (نیز) برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی‌گیریم،
ناگهان تاریکی آنان را فرا می‌گیرد!

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست.

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ
الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

و برای ماه منزلگاه‌هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد)
سرانجام بصورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می‌آید.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ
سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب برروز پیشی می گیرد؛ و هر
کدام در مسیر خود شناورند.

وَمَا أَنزَلْنَاهَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ
مَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٤١﴾

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر
این نبود؛

وَاٰیَةُ لَهُمْ اَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ
الْمَشْحُوِّ ﴿٤٢﴾

نشانه‌ای (دیگراز عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندان‌شان را در
کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٣﴾

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم.

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ
يُنْقَذُونَ ﴿٤٤﴾

و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه
نجات داده شوند!

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٥﴾

مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [از عذابهای الهی] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی کنند).

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُعْرِضِينَ ﴿٤٧﴾

و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان
می‌شوند.



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعَمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ
إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤١﴾

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!»

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

آنها می گویند: «اگر راست می گوئید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!»

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
يَخِصِّمُونَ ﴿٥٠﴾

(اَما) جزاین انتظار نمی‌کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد،
در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند.

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥١﴾

(چنان غافلگیر می شوند که حتی) نمی توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند!

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
يَنْسِلُونَ ﴿٥٢﴾

(بار دیگر) در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی
(دادگاه) پروردگارشان می‌روند!

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٣﴾

می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری)
این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست
گفتند!»

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيِّحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا
مُحْضَرُونَ ﴿٥٤﴾

صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی خیزد) ناگهان همگی نزد ما
احضار می شوند!

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾

(و به آنها گفته می شود:) امروز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و جز آنچه را عمل می کردید جزا داده نمی شوید!

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٦﴾

بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند.

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ ﴿٥٧﴾

آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) برتختها تکیه زده‌اند.

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ﴿٥٨﴾

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود!

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٩﴾

بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری
مهربان!

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٦٠﴾

(و به آنها می گویند:) جدا شوید امروز ای گنهکاران!

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦١﴾

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما
دشمن آشکاری است؟!

وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٢﴾

و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟!

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا
تَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟!

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٤﴾

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد!

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید!

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ
أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٦﴾

امروز بر دهانشان مُهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و
پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند!

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ
فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٧﴾

و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می خواهند
بریکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می توانند بینند؟!

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَائَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا
مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٨﴾

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسمه‌هایی
بی‌روح مبدل می‌سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند!

وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٩﴾

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی
کودکی باز می گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی کنند؟!

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
قُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٧٠﴾

ما هرگز شعر به او [پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این
(کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است!

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى
الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب
بر آنان مسلّم گردد!

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا
فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧٢﴾

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنان
آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟!

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می کنند؛

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٤﴾

و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنی‌هایی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟!

وَإِخْذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٧٥﴾

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند!

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿٧٦﴾

ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت کنندگان در قیامت)
لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می شوند!

فَلَا يَحْزُنُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار
می کنند می دانیم!

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ
خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٨﴾

آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟! و او (چنان
صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست!

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ
وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٩﴾

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این
استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!»

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ
عَلِيمٌ ﴿١٠﴾

بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست!

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ
مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨١﴾

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش
می‌افروزید!

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ
أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿١٢﴾

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی تواند همانند آنان [انسانهای خاک
شده] را بیافریند؟! آری (می تواند)، و او آفریدگار داناست!

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١٣﴾

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید:
«موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود!

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ﴿١٤﴾

پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست؛ و
شما را به سوی او بازمی گردانند!

سورة مبارکه صافات

سورة مبارکه صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظم)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

و به نهی‌کنندگان و (بازدارندگان)

فَالْتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

و تلاوت کنندگان پیای آیات الهی...

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

که معبود شما یگانه است؛

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها!

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

ما آسمان نزدیک [پایین] را با ستارگان آراستیم،

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾

تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم!

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذِفُونَ مِنْ كُلِّ

جَانِبٍ ﴿١﴾

آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از
هر سو هدف قرار می‌گیرند!

دُحُوراً وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾

آنها به شدت به عقب رانده می شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است!

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾

مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می‌کند!

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا
خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ﴿١١﴾

از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سخت‌تر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبنده‌ای آفریدیم!

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾

تو از انکارشان تعجب می کنی، ولی آنها مسخره می کنند!

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾

و هنگامی که به آنان تذکر داده شود، هرگز متذکر نمی شوند!

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾

و هنگامی که معجزه‌ای را ببینند، دیگران را نیز به استهزا دعوت می‌کنند!

وَقَالُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

و می گویند: «این فقط سحری آشکار است!

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾

آیا هنگامی که ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟!

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾

یا پدران نخستین ما (باز می گردند)؟!»

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾

بگو: «آری، همه شما زنده می‌شوید در حالی که خوار و کوچک خواهید بود!

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾

تنها یک صیحه عظیم واقع می‌شود، ناگهان همه (از قبرها برمی‌خیزند و) نگاه می‌کنند!

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾

و می گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!»

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾

(آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب می کردید!

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ
وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾

(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود:) ظالمان و همردیفانشان و آنچه را
می پرستیدند...

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾

(آری آنچه را) جز خدا می پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید!

وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾

شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید؟!

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند!

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می پرسند...

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾

گروهی (می گویند: «شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید اما جز فریب چیزی در کارتان نبود!»)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾

(آنها در جواب) می گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟!»

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا

طَاغِينَ ﴿٣٠﴾

ما هیچ گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید!

فَحَقُّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾

اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می چشیم!

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾

ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم!

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾

(آری) همه آنها [پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی مشترکند!

إِنَّا كَذَلِكْ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

ما این گونه با مجرمان رفتار می کنیم!

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

چرا که وقتی به آنها گفته می شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می کردند...

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِكُمْ لَشَاعِرٍ مُّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾

و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!»

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

چنین نیست، او حق را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است!

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلّم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید!

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

و جزبه آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید،

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)!

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

برای آنان [بندگان مخلص] روزی معین و ویژه‌ای است،

فَوَاقِكُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

میوه‌ها (ی گوناگون پرارزش)، و آنها گرامی داشته می‌شوند...

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

در باغهای پر نعمت بهشت؛

عَلَىٰ سُرٍّ مُّتَقَابِلِينَ ﴿۴۴﴾

در حالی که برتختها رو به روی یکدیگر تکیه زده‌اند،

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٤٥﴾

و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می گردانند؛

بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾

شرابی سفید و درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان؛

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می شوند!

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينُ ﴿٤٨﴾

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی ورزند.

كَأَنَّهُنَّ بَيَّضُ مَكْنُونٍ ﴿٤٩﴾

گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پرم مرغ)
پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)!

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می پرسند...

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

کسی از آنها می گوید: «من همنشینی داشتم...»

يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾

که پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده‌ای...

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾

که وقتی ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، (بار دیگر) زنده می شویم و جزا داده خواهیم شد؟!»

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطِيعُونَ ﴿٥٤﴾

(سپس) می‌گوید: «آیا شما می‌توانید از او خبری بگیرید؟»

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾

اینجاست که نگاهی می‌کند، ناگهان او را در میان دوزخ می‌بیند.

قَالَ تَاللَّهِ إِنَّ كِدْتَ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾

می‌گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی!

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدهگان (در دوزخ) بودم!

أَفَمَا نَحْنُ بِمَعِينٍ ﴿٥٨﴾

(سپس به یاران خود می گوید: ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)،

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٥٩﴾

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

راستی این همان پیروزی بزرگ است!

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

آری، برای مثل این، باید عمل کنندگان عمل کنند!

أَذِلَّكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ ﴿٦٢﴾

آیا این (نعمتهای جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زُقُوم؟!

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾

ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم!

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید!

طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است!



فَإِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

آنها [مجرمان] از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند!

ثُمَّ إِنَّ لَهُمَّ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

سپس روی آن آب داغ متعفنی می نوشند!

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است!

إِنَّهُمْ أَفْوُوا أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند،

فَهُمْ عَلَىٰ أَثَارِهِمْ يُهَرَّعُونَ ﴿۷۰﴾

با این حال به سرعت بدنِ بال آنان کشانده می‌شوند!

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾

ما در میان آنها اندازندگانى فرستادیم،

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾

ولی بنگر عاقبت انداز شوندگان چگونه بود!

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾

مگر بندگان مخلص خدا!!

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾

و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده‌ای
هستیم!

وَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم،

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم،

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾

و نام نیک او را در میان اُمتهای بعد باقی نهادیم.

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾

سلام بر نوح در میان جهانیان باد!

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم!

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

چرا که او از بندگان باایمان ما بود!

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٢﴾

سپس دیگران [دشمنان او] را غرق کردیم!

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿١٣﴾

و از پیروان او ابراهیم بود؛

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿١٤﴾

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد؛

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿١٥﴾

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می پرستید؟! »

أَفْكَآ إِلَهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿١٦﴾

آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟!

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می برید؟!

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾

(سپس) نگاهى به ستارگان افکند...

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿١٩﴾

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی آیم)!»

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند).

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا
(از این غذاها) نمی خورید؟! »

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾

(اصلاً) چرا سخن نمی‌گویید؟!«

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾

سپس بسوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست).

فَاقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿٩٤﴾

آنها با سرعت به او روی آوردند.

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

گفت: «آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟!»

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می سازید!

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾

(بت پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!»

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم!

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾

(او از این مهلکه بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد!»

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾

پروردگارا! به من از صالحان [فرزندان صالح] ببخش!

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

ما او [ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم!

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ
 أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا
 تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظرتو چیست؟» گفت «پدرم! هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!»

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهِ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾

هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد...

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾

اورا ندا دادیم کہ: «ای ابراهیم!



قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾

آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی!) «ما این گونه، نیکوکاران را جزا می دهیم!

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾

این مسلماً همان امتحان آشکار است!

وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم،

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾

و نام نیک او را در اَمتهای بعد باقی نهادیم!

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾

سلام بر ابراهیم!

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾

این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم!

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾

او از بندگان باایمان ما است!

وَبَشِّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾

ما او را به اسحاق - پیامبری از شایستگان - بشارت دادیم!

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ
ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾

ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا
به خود ستم کردند!

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم!

وَنَجِّينَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم!

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند!

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

ما به آن دو، کتاب روشنگر دادیم،

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم!

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم!

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

سلام بر موسی و هارون!

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم!

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند!

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

و الیاس از رسولان (ما) بود!

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

به خاطربیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! »

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾

آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگارا را رها می سازید؟!



اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

اما آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می شوند!

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾

مگر بندگان مخلص خدا!

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾

ما نام نیک او را در میان اُمتهای بعد باقی گذاردیم!

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٣٠﴾

سلام بر ابراهیم!

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم!

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

او از بندگان مؤمن ما است!

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾

ولوط از رسولان (ما) است!

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾

و به خطریا و زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم،

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾

مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)!

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾

سپس بقیه را نابود کردیم!

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه‌های شهرهای) آنها می‌گذرید...

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾

و (همچنین) شبانگاه؛ آیا نمی اندیشید؟!

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾

و یونس از رسولان (ما) است!

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾

به خاطریا و زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد.

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾

و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد!

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق سرزنش بود!

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود...

لَلْبِثِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾

تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند!

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه
افکندیم در حالی که بیمار بود!

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾

و بوته کدوئی براو رویاندم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد)!

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری - یا بیشتر- فرستادیم!

فَأَمِّنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم!

فَاسْتَفْتِهِمُ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾

از آنان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟!

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟!

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ أَفْكِهَمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می گویند:

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾

«خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می گویند!

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟!

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گوئید؟!)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾

آیا متذکر نمی شوید؟!

أَمْرُكُمْ سُلْطَانُ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟

فَاتُّوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾

کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید!

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ
لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾

آنها [مشرکان] میان او [خداوند] و جنّ، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند؛ در حالی
که جنیان بخوبی می دانند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می شوند!

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾

منزه است خداوند از آنچه توصیف می کنند،

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾

منزه است خداوند از آنچه توصیف می کنند،

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾

مگر بندگان مخلص خدا!!

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾

شما و آنچه را پرستش می کنید،

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾

هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید،

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می شوند!

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾

و هیچ یک از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد؛

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم؛

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾

و ما همه تسبیح گوی او هستیم!

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ ﴿١٦٧﴾

آنها پیوسته می گفتند:

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود،

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!

فَكْفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

(اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد،) به آن کافر شدند؛ ولی
بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست!

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾

وَعَدَه قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده...

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾

که آنان یاری شدگانند،

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾

و لشکر ما پیروزند!

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾

از آنها [کافران] روی بگردان تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرارسد)!

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾

و وضع آنها را بنگر (چه بی محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند!

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می کنند؟!

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾

اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت!

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾

از آنان روی بگردان تا زمان معینی!

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾

و وضع کارشان را ببین؛ آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند!

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند.

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾

و سلام بر رسولان!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است!

سورہ مبارکہ ص

سورہ مبارکہ ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است).

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

ولی کافران گرفتار غرور اختلافند!

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَ
حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد
می زدند (و کمک می خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود!

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا
سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

آنها تعجب کردند که پیامبریم دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران
گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است!

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿٥﴾

آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است!

وَانْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى
الِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی
است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند)!

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا خِتِلَاقٌ ﴿٧﴾

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم؛ این تنها یک آئین ساختگی است!

أَنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾

آیا از میان همه ما، قرآن تنها براو [محمد] نازل شده؟! آنها در حقیقت در اصل وحی
من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند (که این چنین گستاخانه
سخن می‌گویند)!

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده‌ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟!

أَمْرُهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟!
(اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک
محمد بگیرند)!

جُنْدُ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزابند!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند!

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه [قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به
تکذیب پیامبران برخاستند)!

إِنَّ كُلَّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾

هریک (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت!

وَمَا يَنْظُرُ هُؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی‌کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می‌سازد)!

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

آنها (از روی خیره‌سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!»

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ
أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

در برابر آنچه می‌گویند شکریا باش، و به خاطریا و بنده ما داوود صاحب قدرت را، که
او بسیار توبه‌کننده بود!

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند!

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه
اینها بازگشت کننده به سوی او بودند!

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه!

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخُسِمْ إِذْ تُسَوِّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟!

دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

در آن هنگام که (بی مقدمه) براو وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند:
«نترس،

خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُمَ بَيْنَنَا
بِالْحَقِّ وَلَا تَشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما برد دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری
کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ
وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار می کند که:
این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ
كَثِيراً مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ

(داوود) گفت: «مسئماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند؛ اما عده آنان کم است!»

وَضَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَ
أَنَابَ ﴿٢٤﴾

داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش
نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ
مَّآبٍ ﴿٢٥﴾

ما این عمل را براو بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست!

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!



وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ
ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛
وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ
كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در
زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ
لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان
متذکر شوند!

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

ما سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)!

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

به خاطریا و هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندر و را برا و عرضه داشتند،

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى
تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم)، او همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند.

رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِيقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد).

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ
أَنَابَ ﴿٣٤﴾

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد.

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس
نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای!

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی حرکت کند و به هر جا او
می خواهد برود!

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾

و شیاطین را مسخر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را!

وَأَخْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم،

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی)
ببخش، و از هر کس می خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)!

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ ﴿٤٠﴾

و برای او [سلیمان] نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست!

وَإِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ
الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾

و به خاطریا و ر بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!)
شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است!

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى
لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما
باشد و تذکری برای اندیشمندان.

وَحُذُّ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنْ
وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

(و به او گفتیم:) بسته‌ای از ساقه‌های گندم (یا مانند آن) را برگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکریا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود!

وَإِذْ كُنَّا عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي
الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

و به خاطریا و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند)
و چشمها (ی بینا)!

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾

ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود!

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند!

وَإِذْ كُنَّا إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ
الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

و به خاطریاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند!

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است:

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾

باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است،

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ

شَرَابٍ ﴿٥١﴾

در حالی که در آن برتختها تکیه کرده‌اند و میوه‌های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان
است!

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثَرًا ﴿٥٢﴾

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، و همسن و سالند!

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده های تخلف
ناپذیر)!

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست!

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿٥٥﴾

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است:

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

دوزخ، که در آن وارد می شوند؛ و چه بستر بدی است!

هَذَا فَلْيَذُقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این نوشابه «حمیم» و «غَسَّاق» است [دو مایع سوزان و تیره رنگ] که باید از آن
بچشند!

وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾

و جزاینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند!

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا

النَّارِ ﴿٥٩﴾

(به آنان گفته می شود:) این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند)؛ خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت!

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبَاءُ بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا
فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

آنها (به رؤسای خود) می گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای
ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!»

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَاباً ضِعْفاً فِي
النَّارِ ﴿٦١﴾

(سپس) می گویند: «پروردگارا! هرکس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی
مضاعف در آتش براو بیفز!»

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنْ
الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ)
نمی بینیم؟!»

أَتَّخِذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه‌ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی‌بیند؟!

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان!

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرُ وَمَا مِثْلُ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

بگو: «من تنها یک بیم‌دهنده‌ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست!

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار!

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

بگو: «این خبری بزرگ است،

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾

که شما از آن روی گردانید!

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

من از ملاّ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می کردند خبر ندارم!

إِن يُّوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من اندازکننده آشکاری هستم!

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾

و به خاطریا و هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم!

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ

سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند،

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾

جز ابلیس که تکبرورزید و از کافران بود!

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ
بِيَدَيَّ أَتَكْبَرُ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم
سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو
داده شود!)»

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٦﴾

گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ ﴿٧٧﴾

فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾

و مسلماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود!

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده!»

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی،

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾

ولی تا روز و زمان معین!

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢﴾

گفت: «به عزّت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد،

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٣﴾

مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!»

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿١٤﴾

فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم،

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿١٥﴾

که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!»

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿١٦﴾

(ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، و من از متکلفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است!)»

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است؛

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۸﴾

و خبر آن را بعد از مدّتی می شنوید!

سورہ زمر

سورہ مبارکہ زمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ

الدِّينَ ﴿٢﴾

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او
خالص گردان!

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی کند!

أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفِيَ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
 سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

اگر (بفرض محال) خدا می خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می خواست برمیگزید؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد) ! او خداوند یکتای پیروز است!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى
النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه
را مسخر فرمان خویش قرار داد؛

كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می دهند؛ آگاه باشید که او قادر و
آمرزنده است!

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ
أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ

او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گل) او خلق کرد؛ و برای شما
هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ
 فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ فَآَنِي تُصِرُّونَ ﴿٦﴾

او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکیهای سه گانه،
 می بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛
 هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می شوید؟!



إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ
الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ
أُخْرَىٰ

اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد؛
و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می پسندد! و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر
دوش نمی کشد!

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید
آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است!



وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا
خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسِيَ مَا كَانَ يُدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ
جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

هنگامی که انسان را زبانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛
اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می خواند
از یاد می برد و برای خداوند همتایانی قرار می دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾

بگو: «چند روزی از کفرت بهره‌گیر که از دوزخیانی!»



أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ
يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است
و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار
است؟!

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

؟! بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان
متذکر می شوند!»

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
 فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى
 الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

**بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! برای
 کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر
 تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب
 دریافت می‌دارند!**

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾

بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم،

وَأُمِرْتُ لِأَنَّا أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

و مأمورم که نخستین مسلمان باشم!

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

بگو: «من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم!»

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾

بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم.»

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ
 الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾

شما هر چه را جزا و می خواهید بپرستید! بگو: «زیانکاران واقعی آناند که سرمایه
 وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زیان آشکار
 همین است!»

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ
 ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾

برای آنان از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیرپایشان نیز سایبانهایی از آتش است؛ این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من پرهیزید!

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ
لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾

و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن
آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده!

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ
الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.

فَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي
النَّارِ ﴿١٩﴾

آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو
میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟!

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ
 مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ
 الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾

ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها
 غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و
 خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند!

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ
 فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً لَوَانُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ
 فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که رنگهای مختلف دارد؛ بعد آن گیاه خشک می‌شود، بگونه‌ای که آن را زرد و بی‌روح می‌بینی؛ سپس آن را در هم می‌شکند و خرد می‌کند؛

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)!

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ
 فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي
 ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٢﴾

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و برفراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر آنان که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند!

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي
تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ
جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می شود؛

ذٰلِكَ هُدًى اللّٰهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَمَنْ يُضِلِّ اللّٰهُ
فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾

این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند؛ و هر کس را
خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود!

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ
لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾

آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور می‌سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی‌رسد)؟! و به ظالمان گفته می‌شود: «بچشید آنچه را به دست می‌آوردید (و انجام می‌دادید)!»

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾

کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که
فکر نمی کردند به سراغشان آمد!

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْحَزْنَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْآخِرَةِ
أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است
اگر می دانستند.

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، شاید متذکر شوند.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾

قرآنی است فصیح و خالی از هرگونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند!

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ
 رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛ آیا این دو یکسانند؟! حمد، مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی دانند.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾

تو می میری و آنها نیز خواهند مرد!

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان محاصمه می کنید.

صدق الله العلي العظيم